

| | |
|--|--|
| دوشنبه <p>۱۲ آذر ۱۴۰۳</p> <p>سال بیست‌ویکم • شماره ۴۹۹۰</p> | |
|--|--|

نگاه

نگاهی به فیلم یک مرد متفاوت اثر آرون شیمبرگ اثری تکان‌دهنده درباره درونیات شخصی

فرزانه متین؛ فیلم یک مرد متفاوت، اثری گیرا و تأمل‌برانگیز است که استادانه به درون‌مایه‌های هویت، دگرگونی و خودشناسی می‌پردازد. خط داستانی جذاب و تکان‌دهنده آن، چشم‌اندازی تازه از سفر رشد شخصی را به تصویر می‌کشاند. A Diffrent Man محصول ۲۰۲۴ تولید کشور آمریکا در ژانر کمدی تاریک روان‌شناختی محسوب می‌شود که در مورد مردی به نام ادوارد است که مبتلا به بیماری نوروفیبروماتوز است. او تحت یک عمل جراحی ترمیمی صورت قرار می‌گیرد تا ظاهر خود را کاملا تغییر دهد، اما چهره جدید او به‌سرعت تبدیل به یک کابوس می‌شود.

هنرمندانی چون سباستین استن، رناته رنیزور و آدام پیروسن در این اثر به ایفای نقش پرداختند. آرون شیمبرگ در مقام کارگردان و فیلم‌نامه‌نویس، سکان‌دار این فیلم تلخ است. بیماری نوروفیبروماتوز که شاید برای بیشتر مخاطبان فیلم ناشناخته باشد، یک بیماری ژنتیکی محسوب می‌شود که اعصاب و پوست را گرفتار می‌کند. در این بیماری تومورهای خوش‌خیم در مسیر اعصاب رشد می‌کنند و این رشد موجب بروز مشکلات در پوست و استخوان‌ها می‌شود. متأسفانه افرادی که درگیر این بیماری می‌شوند ظاهری عجیب و تا حدی ترسناک دارند. البته بخشی از تلاش‌های کارگردان این بوده که در مورد این بیماری در جامعه، اطلاع‌رسانی شود اما آنچه او بیشتر روی آن تمرکز کرده، در مورد هویت فردی پذیرش‌شده و نقص‌ها و احساس شادمانی است.

فیلم در کل به دو پرده قسمت‌بندی می‌شود؛ پرده اول آن بر زندگی تلخ و دل‌خراش ادوارد تمرکز دارد. او فردی با اعتمادبه‌نفس پایین است که در ارتباط‌گرفتن با دیگران دچار مشکل است، در مناسبات اجتماعی شرکت نمی‌کند و در انزوای خود به سر می‌برد. آشنایی او با زن همسایه به نام اینگرید که خود را نمایش‌نامه‌نویس معرفی می‌کند، باعث می‌شود ادوارد بتواند یک ارتباط دوستانه را شکل بدهد و آن را تبدیل به یک دوستی عمیق کند، به نحوی که در این مسیر عقب‌نشینی می‌کند. او همیشه خود را بازنده می‌بیند و سعی می‌کند به دلیل مشکل ظاهری‌اش، از دیگران فاصله بگیرد تا بقیه حس انزجار نداشته باشند. او به عنوان اولین داوطلب برای مسیر درمانی آزمایشی تحت دارودرمانی قرار می‌گیرد، پوسته‌های صورتش کم‌کم می‌افتد و ما با تغییر چهره ادوارد روبه‌رو هستیم که از سخت‌ترین صحنه‌ها برای مخاطب است. حالا یک چهره جذاب و عاری از زشتی از زیر این نقاب بیماری بیرون می‌آید و دیو داستان تبدیل به یک مرد خوش‌چهره می‌شود. در این بخش فیلم تا حدی کند و خسته‌کننده پیش می‌رود و سازنده می‌خواهد ما با لایه‌های پیدیه این شخصیت آشنا شویم. در پرده دوم ما شاهد آن هستیم که ادوارد آن‌قدر از چهره زشتش، بدش می‌آید که به همه حتی دکترش می‌گوید او خودکشی کرده و خود را به نام گای معرفی می‌کند. او در کارش در زمینه فروش املاک به عنوان فردی موفق، تبدیل به یک برند می‌شود و بیلبوردهایش با تصویری از چهره خودش در همه‌جا دیده می‌شود و حتی در اینجا کارگردان با ظرافت خاصی کنایه‌ای هم می‌زند؛ او زمانی که با نقضش در مترو بود، همه او را به دیده تحقیر نگاه می‌کردند و حالا بیلبوردهایش با چهره جدیدش در سراسر مترو، به عنوان تبلیغ دیده می‌شود. اما از آنجا که از نگاه اینگرید او دوست‌داشتنی نیست، ادوارد دچار نوعی بحران می‌شود و با چهره جدیدش که فکر می‌کرد همه مشکلاتش حل شده، حالا با هویت خودش به مشکل می‌خورد و همچنان ناراضی است. تغییر ظاهر ادوارد باعث نشد احساسات درونی‌اش هم تغییر کند. ازاین‌رو با چرخش عجیبی در این بخش روبه‌رو هستیم. البته تا حدی روایت داستان آشفته می‌شود اما ریتم نسبت به پرده اول تند است و به استعاره‌هایی از زندگی می‌پردازد. در این بخش، گای با فردی به نام آژوآلد، با بازی بی‌نظیر آدام پیروسن که او هم دچار بیماری نوروفیبرماتوز است، روبه‌رو می‌شود. البته پیروسن در واقعیت این بیماری را دارد و مانند سباستین گریم نشده است. آژوآلد گویی روی دیگر سکه شخصیت ادوارد است. اشراف‌زاده بریتانیایی دارای اعتمادبه‌نفس بالا که می‌تواند در برقراری ارتباط خیلی خوب عمل کند. او ازدواج کرده، بچه‌دار شده، به کلاس ورزش می‌رود و سزام می‌زند. در روابط اجتماعی، کل سرسبد است و یک چنتملن واقعی در رفتار و ادب است و به چشمان اینگرید، خوش می‌درخشد؛ چراکه او با نقص خود به پذیرش رسیده است. این کاراکتر باعث شده که ما او را مانند یک فرد معمولی بپذیریم. حسادت گای با دیدن ابعاد زندگی آژوآلد برانگیخته می‌شود. گای تا جایی پیش می‌رود که به انفجار برسد و دچار نوعی مالیخولیایی در دنیای سورئال می‌شود. حالا این چهره جذاب مانند متروک روی زندگی‌اش سایه افکنده است و دائم در حال مقایسه خودش با آژوآلد است. در این بخش ما با ترکیبی یکپارچه از درون‌نگری روبه‌رو هستیم.

یک مرد متفاوت، درباره خودانگاره است و آنچه دیگران بسته به آن می‌بینند یا احساس می‌کنند. این فیلم متفکرانه به ما نشان می‌دهد اگر نگرش خود را تغییر دهید، مسیر زندگی‌تان هم تغییر می‌کند. از آنجا که این اثر به طور مؤثر پیام اصلی خود را منتقل می‌کند و با مخاطب روبراست است، بینندگان را مجذوب خود می‌کند. یکی دیگر از پیام‌های فیلم درباره احساس درونی شادی است. گای مانند ادوارد خوشحال نیست، چراکه شادی و خوشحالی هیچ ربطی به ظاهر ندارد، بلکه در درون فرد است. ادوارد با تغییر ظاهر خود احساسات درونی‌اش تغییر نکرده است. داستان دل‌خراش این اثر به ما می‌گوید نحوه نگرش شما به خود می‌تواند تعیین کند که دیگران به شما چگونه نگاه می‌کنند. فیلم از برخی جهات شباهت زیادی به ماده که اخیراً به نمایش درآمده است دارد، اما با نگاهی ظریف‌تر.

تماشای این فیلم به دلیل تأثیر ماندگاری که بر مخاطبش می‌گذارد، بینندگان را دعوت می‌کند در مسیرهای خود به خودسازی فکر کنند. با همه این تفاسیر از دیدگاه اخلاقی نمی‌توان به‌سادگی این اثر را قضاوت کرد؛ چراکه بحران هویت فردی و اجتماعی کاملاً به متغیرهایی وابسته است که متخصص می‌تواند آن پس آن برآورد. نگاه‌کردن به درون خود به اندازه نگاه‌کردن به خود در مقابل آنچه مهم است. علاوه‌بر فرم روایی خاص فیلم، بازی‌های قدرتمند سباستین استن و آدام پیروسن که عمق و اصالت را به شخصیت‌های خود می‌بخشند، درخشان است و دور از انتظار نیست که آنها در زمینه بهترین بازیگر برای نقش مکمل مرد در اسکار نامزد شوند. همچنین فیلم‌برداری در این فضای سرد و خاکستری نیویورک خوب درآمده است.

یک مرد متفاوت ما را به یاد با اثر به‌یادماندنی مرد‌فیل‌نما از دیوید لینچ می‌اندازد که به روایت زندگی تلخ و واقعی جوزف مریک می‌پرداخت که با او به دلیل همین بیماری، مانند یک حیوان رفتار می‌شد. مسلماً این اثر وام‌دار شاهکار دیوید لینچ است.

با گذشت بیش از یک ماه از انتصاب رئیس جدید سازمان سینمایی که مطابق تعارفات معمول می‌توان از آن با عنوان تزریق خون تازه به رک‌های سینمای بدحال کشور یاد کرد. اولین و احتمالاً مهم‌ترین سؤال صاحب‌نظران عرصه سینما و علاقه‌مندان جدی‌تر این عرصه از رانند فریادزده و همکارانش در سازمانی که کنترل آن را در دست گرفته‌اند، می‌تواند این باشد که برای بهترشدن حال سینمایی که در محاصره کمدی‌های غالباً بی‌ارزش قرار گرفته و از آثار قابل دفاع و تأمل تقریباً تهی شده، چه برنامه‌ای را تدارک دیده‌اند؟

البته این امکان وجود دارد که طرح همین پرسش ابتدایی و کلان از همان آغاز به مذاق عده‌ای از کارشناسان حوزه سینما خوش نیاید و دخالت مستقیم سازمان سینمایی (دولت) در ایجاد تعادل میان ژانرهای مختلف سینمایی و خلاصی سینما از چنبره‌گونه کمدی را مصداق استمرار مداخلات حاکمیتی و احیای دوباره سینمای گلخانه‌ای بداند که باوجود موفقیت‌هایش در دهه اول انقلاب، کسی از اهالی سینما از آن به عنوان خاطره‌ای خوشایند یاد نمی‌کند؛ برادی که در یک نگاه کلان و از یک منظر آرمان‌گرایانه درست و بی‌نقص به نظر می‌آید و اصولاً تاریخ سینمای جهان بهترین گواه بر این گزاره است که هنر/ صنعت سینما به عنوان یک پدیدهٔ دوسویه که هر دو وجه هنری و اقتصادی آن عملکرد دیگری را کامل می‌کند، هیچ‌گاه با بخش‌نامه و دستورالعمل‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت ربه پیش رفته و اگر هم موفقیت‌هایی به مداخله دولت‌ها و حاکمیت‌ها اتفاق افتاده، همه زودگذر و فراموشی‌پذیر بوده است. در مقابل می‌توان از نگاه دیگری هم به موضوع نگاه کرد که آن‌قدرها هم ایدئالیستی نیست و دخالت‌های مؤثر ولی کوتاه‌مدت حاکمیت (سازمان سینمایی و دیگر نهادهای حاکمیتی درگیر در تولید و عرضه فیلم) را به منزله یک عمل جراحی اورژانسی که شاید گریزی از انجام آن نباشد توجیه می‌کند، مانند همان اتفاقی که در سال‌های نخست استقرار نظام و پس از سپری شدن التهابات اولیه و از پرده کشیده‌شدن فیلم‌ها از سردر سینما‌ها توسط انقلابی‌های تندرو و خودسر به وقوع پیوست و در نهایت با الگوی مدیریت کلخانه‌ای تیم سیدمحمد بهشتی و فخرالدین ذوالانوار به آرامش و ثبات نسبی رسید. حال و پس از گذشت چهار دهه از آن دوره ملتهم، می‌توان از تصمیمات و عملکرد این تیم دوفتره و همکارانشان در وزارت وقت ارشاد با عنوان همان عمل جراحی اورژانسی یاد کرد که هرچند با ماهیت سینما به عنوان رسانه‌ای آزاد و مبتنی بر عرضه/ تقاضا در تعارض کامل بود، ولی در مقابل به آن همه اغتشاش و هرج‌ومرج و تعدد مراکز تصمیم‌گیری و اقدامات خودسرانه پایان داد.

با این مقدمات و به شرط پذیرش مداخلات حداقلی دولت برای تغییر وضعیت ناخوشایند سینمای ایران که به قلمرو سلطه تقریباً تک‌ژانری کمدی‌ها و به گوشه رانده‌شدن دیگر گونه‌های نمایشی انجامیده است، اقدام عملی سازمان سینمایی برای خروج از این بحران چه می‌تواند باشد؟

پسسترسازی برای فیلم‌سازان فعال در گونه‌های اجتماعی/ حادثه‌ای/ خانوادگی و…؟ حمایت‌های مالی و پشتیبانی‌های فنی؟ بازترکردن روزنه آثار انتقادی و تلاش برای آشتی فیلم‌سازان که روزگاری نه‌چندان دور در جشنواره‌های جهانی برای سینمای ایران افتخارآفرین بوده‌اند؟ یا شاید گزاره‌های دیگری که همگی زیر بیرق حمایت‌های دولتی و حاکمیتی طبقه‌بندی می‌شوند. انتخاب‌هایی که احتمالاً هر کدام در جای خود و به شرطی که بجا و به‌اندازه استفاده شوند، تأثیرگذارند، طوری که هم سینماگران احساس امنیت کار و فعالیت در سرزمینی را تجربه کنند که حاکمیتش آنها را در مقابل مبارشان تهیه‌اش نازل سینمای تجاری

به بهانه انتظارات از دوران جدید سازمان سینمایی

خروج از بحران



مازیار معاونی

(کمدی) به حال خود رها نکرده و هم شبانه دخالت همه‌جانبه دولت در مدیومی که آزادبودن و رهایی اندیشه و تفکر از بنیان‌های ذاتی آن است، فضای سینما را چالش‌برانگیز نکند.

اما با پذیرش این اصل کلی که هر پدیده‌ای از جمله اشغال پرده سینماها توسط کمدی‌های بی‌صالت بی‌تردید علل و دلایل مختص خودش را دارد و باید به دنبال چرایی‌های به‌وجودآورنده چنین وضعیتی بود، شاید بهترین گزینه پیش‌روی رئیس تازه‌وارد سازمان سینمایی و دستیارانش، ورود به محدوده همین چرایی‌ها و کنکاش وجوه مختلف آنها باشد. مطمئناً در پاییز ۱۴۰۳ از دوران همه‌گیری کرونا و افسردگی اجتماعی ناشی از آن که نیاز مخاطبان تجربه تماشای دُر بالای آثار کمدی بود، بیش از دو سال‌ونیم فاصله گرفته‌ایم و اتکا به چنین دلیلی آن‌قدرها قانع‌کننده نیست. حتی نمی‌توان صرفاً از نیاز به کمدی و سرخوشی جامعه‌ای که دوران تلخ پاییز ۱۴۰۱ و التهابات سیاسی-اجتماعی آن را تجربه کرده، به عنوان یک چرایی محکم که هنوز هم به همان شدت و حدت قبل ادامه دارد سخن گفت. البته تمام اینها هم زیر دلایل متعدد بروز وضعیت کنونی قابل بررسی هستند، ولی اگر فراتر است شرایط دشوار آموزشی سینمای ایران به شکلی جدی و ملموس تغییر کند، یک مطالعه جدی بین‌رشته‌ای که تمام زمینه‌های علمی مرتبط با موضوع سلیقه مخاطبان کنونی سینمای ایران به ویژه علوم جامعه‌شناسی، علوم رسانه‌ای و مباحث روان‌شناسانه را در بگیرد، از ضروریات چنین پژوهشی است. به ویژه اینکه چرخش سینمای ایران به سوی سینمای نازل کمدی در بازه زمانی چندساله اخیر اتفاق افتاده که شرایط کلی رسانه‌های نمایشی رقیب سینما کاملاً تغییر کرده است. در این دگردیسی اخیر، تماشای سریال‌های پلتفرمی به اوج خود رسیده است؛ سریال‌هایی با اولویت آثار خشن اجتماعی که از آنجا که مخاطب تصویری از جامعه بحران‌زده آموزشی را در آنها می‌بیند، روحش با همدات‌پنداری با قهرمانان آنها تا اندازه‌ای ارض می‌شود و دیگر نیاز چندانی به همدات‌پنداری سنتی با قهرمانان جدی پرده سینما در خود احساس نمی‌کند. گو اینکه از تعداد و مجال کار سینماگران سازنده آثار جدی سینمایی هم بنا بر مهاجرت به دلیل اختلاف نگاه و محدودیت، رفتن به سوی سینمای زیرزمینی یا ساخت فیلم‌های فارسی‌زبان در کشورهای خارجی و به حاشیه رانده‌شدن توسط مبارشان و سرمایه‌گذاران سینمای فروغلتبیده در بستر کمدی که به دنبال تکرار الگوهای امتحان پس‌داده و سوددهی سریع و در کمترین زمان ممکن است هم تا اندازه بسیاری کاسته شده است.

البته همین پلتفرم‌ها با عرضه آنلاین سریال‌ها و فیلم‌های روز سینمای جهان (اگرچه سانسور شده) امکان تماشای بی‌سلب و گسترده‌ای را در اختیار مخاطبان گذاشته‌اند که باز هم دلیل دیگری است بر کم‌قابلی به قهرمانان وطنی روی پرده تفرهای. از سوی دیگر تلویزیون هم به عنوان رسانه‌ای سنتی تقریباً هیچ پیشینه‌اد جذابی در عرصه کمدی برای بینندگان ندارد و جایگاه مجموعه‌های طنزش از آثار خیابان خلوت‌کنی مانند «ساعت خوش»، «زیر آسمان شهر» و «شب‌های برره» به کمدی‌های بی‌ارزشی چون «چهارپایه» رسیده که حتی تماشای چند دقیقه از آنها تحمل فراوانی را طلب می‌کند و این خود دلیل دیگری است بر اینکه مخاطب، نیاز تأمین کند، حال در چنین اوضاعی، تلاش نهاد دولتی برای کمک به برگرداندن آب و به مسیر طبیعی (تعدد و تکثر ژانرهای نمایشی) الزاماً باید با درنظرگرفتن جمیع این مؤلفه‌های تأثیرگذار باشد و هر اقدام سنجیده، زودبازده، غیرریشه‌ای و غیرکارشناسانه‌ای صرفاً به پیچیده‌ترشدن کلاف پیچ در پیچ کنونی خواهد انجامید.

در نشست خبری هجدهمین جشنواره سینماحقیقت مطرح شد

درباره فیلم‌های سیاسی چالش زیادی نداشتیم

سید، بسیار ناچیز است.

دبیر جشنواره درباره سهم ارگان‌ها در سرمایه‌گذاری برای تولید مستند توضیح داد: از میان ۶۵ فیلم بخش ملی، ۱۶ فیلم از طرف بخش خصوصی و ۴۹ فیلم از طرف ارگان‌ها و نهادهای تولید شده است.

او در پاسخ به سؤال خبرنگار «شرق» مبنی بر اینکه با حضور فیلم‌هایی در جشنواره که تاریخ سیاسی ایران را مرور می‌کنند، در این بخش و پرداختن به موضوعات سیاسی تا به امروز جشنواره با چه چالش‌هایی در بخش میزبانی روبه‌رو شده است؟ گفت: مانند سال گذشته چالش‌هایی داشتیم، ولی نه آن‌طورکه درگیرکننده باشد. برخی آثار جشنواره حرف‌هایی را مطرح می‌کنند که شاید مسائلی را در حوزه نظارتی به وجود آورند، باوجوداین امسال چالش خاصی نداشتیم و فیلم‌ها با سعه صدر و نگاهی مبتنی بر تحمل آرا و بیان نظرات مختلف بررسی شدند. البته این موضوع را در نظر داشته باشیم که جشنواره توان و بضاعت مشخصی دارد. امسال جلشی نداشتیم اما فیلم‌های چالشی زیاد داریم.

او در پاسخ به سؤال ایسنا که آیا در جشنواره امسال با توجه به تغییر دولت و سیاست‌ها فیلمی از ماجراهای سیاسی و اجتماعی سال‌های اخیر نمایش داده می‌شود یا خیر، چراکه بیشتر تولیدات در این زمینه راهی جشنواره‌های خارجی شدند، گفت: ما فیلم‌ها را در گروه مشاوران می‌بینیم و درواقع آنچه را به ما رجوع می‌شود، بررسی می‌کنیم، نه تمام آنچه را که ساخته می‌شود. با این حال سعی کردیم به شهادت و گواه ۳۵ مشاوره که داریم، فیلم‌های صاحب حرف و اندیشه داشته باشیم. براساس‌این در حوزه اتفاق‌های سال ۱۴۰۱ فیلم داریم که در بخش ویژه نمایش داده می‌شود. اما همین‌جا اعلام می‌کنم فیلم‌هایی که چالش و مسئله دارند، برای سال آینده به سینماحقیقت رجوع کنند.

حمیدی‌مقدم در پاسخ به سؤالی دیگر درباره رأی‌گیری مردمی جشنواره با اشاره به مشکلاتی که سال قبل در جشنواره فجر وجود داشت، گفت: امسال این رأی‌گیری از طرف صنف انجام می‌شود و به عبارتی تحت نظارت خانه سینما خواهد بود.

او درباره حضورش در سه دولت مختلف و اینکه آیا نگاه تعاملی به دولت جدید دارد، گفت: من پیش از حضور در مرکز گسترش، سمت دولتی نداشت‌م و در دولت دوازدهم با حضور آقای انتظامی این فرصت پیش آمد. اگر من به مرکز گسترش آمدم، به دلیل این بود که بیشترین ارتباط را با اینجا داشتم و فکر می‌کردم می‌توانم مؤثر باشم. این مرکز خودش جایگاه بالنده‌ای دارد و ادامه حضور من در دولت سیزدهم با حمایت آقای خراعی در چارچوب مقررات بین مرکز و سازمان سینمایی رخ داد. درباره الان هم به نظر من دوست صحبت کنیم، چون فقط یک ماه است که تغییرات اتفاق افتاده، با این حال با حضور دکتر فریادزده و تجربه زیستی ایشان امیدوارم نگاه حمایتی بیشتر باشد.

حمیدی‌مقدم در ادامه تأکید کرد: آنچه امسال در جشنواره حقیقت نمایش داده می‌شود، محصول ریل‌گذاری سه، چهار سال گذشته است.

هجدهمین جشنواره سینماحقیقت تا ۱۸ تا ۲۵ آذرماه به دبیری محمد حمیدی‌مقدم در پردیس سینمایی چارسو برگزار می‌شود.

شرق

خبر

پاسخ وزارت آموزش و پرورش به گزارش «شرق»

در پاسخ به مطلب مندرج در آن روزنامه با عنوان «معلمان ته جدول حقوق» به تاریخ ۱۴۰۳٫۰۹٫۰۱ پاسخ مرکز برنامه‌ریزی منابع انسانی و امور اداری وزارت آموزش و پرورش را به استحضار می‌رساند:

۱- به منظور ارتقای کیفیت و توجه به وضع معیشت و منزلت معلمان، قانون نظام رتبه‌بندی معلمان به استناد جزء ۲ بند (الف) ماده (۶۳) قانون برنامه پنج‌ساله ششم توسعه کشور و به منظور ایجاد سازوکار قانونی برای افزایش انگیزه شغلی، کسب و ارتقای صلاحیت‌های معلمان و همچنین متناسب‌سازی پرداخت‌ها براساس شایستگی‌ها و نتایج عملکرد رافبتی معلمان تهیه و پس از تصویب در جلسه ۱۳۹۹/۱۲/۱۷ هیئت محترم وزیران، طی نامه شماره ۵۸۱۵۳/۱۵۴۵۴ مورخ ۱۳۹۹/۱۲/۲۵ به مجلس محترم شورای اسلامی ارسال و در تاریخ ۱۴۰۰/۱۲/۱۵ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است که براساس آن افراد مشمول بر حسب امتیازات مربوطه در تاریخ ۱۴۰۰/۰۶/۳۱ از رتبه‌های مربوطه (آموزشیار معلم، مربی معلم، استادیار معلم، دانشیار معلم و استاد معلم) قرار گرفته‌اند که براساس رتبه‌های اخذشده حقوق و مزایای آنان تعیین و پرداخت شده است.

۲- در زمینه افزایش حقوق معلمان پیشنهاد افزایش فوق‌العاده ویژه تا سقف ۵۰ درصد حقوق ثابت و فوق‌العاده‌های مستمر موضوع بند ۱۰ ماده ۶۸ قانون مدیریتت خدمات کشوری به مراجع ذی‌صلاح ارائه شده است که به محض حصول نتیجه مطلوب اقدام خواهد شد.
علی‌ای‌حال به استناد ماده ۱۱۷ قانون مدیریتت خدمات کشوری، که مقرر می‌دارد: حقوق و مزایای کارکنان دولت به استثنای اعضای هیئت علمی و… براساس بخش‌نامه شماره ۲۰۰/۱۴۵۹۳ مورخ ۱۳۸۸/۰۲/۲۱ معاونت توسعه مدیریت و سرمایه انسانی رئیس‌جمهور و قوانین و مقررات ابلاغ‌شده از سوی هیئت محترم وزیران محاسبه و پرداخت شود، بدیهی است هرگونه تغییر در امتیازات جداول حق شغفل، شافل و… کارکنان، و کاهش فاصله حقوق و مزایای کارکنان دولت منوط به وصول دستورالعمل‌های جدید از نسوی مراجع ذی‌صلاح خواهد بود.

خواهشمند است دستور فرمایید طبق قانون مطبوعات و رسانه‌ها نسبت به درج جوابیه این مرکز در همان صفحه و با همان قلم اقدام لازم صورت گیرد.

«عبور قوای برج عبیوض از اراضی کاخ هنر»

نمایش کمدی-تاریخی «عبور قوای برج عبیوض از اراضی کاخ هنر» نوشته شیده غفاریان و کارگردانی وهاب ناصری‌منش از ۱۷ آذر در کاخ هنر روی صحنه می‌رود.

در خلاصه داستان این نمایش آمده است:

«اهالی برج عبیوض از هفدهم آذر تا یکم دی ساعت ۲۰ روی صحنه سالن کاخ هنر ساکن هستند تا با انسان‌های معاصر گفت‌وگو کنند. این نمایش که کاری از «گروه بازیگران Actors Club» است، با ایجاد پرسش، تماشاکر را به مشارکت و همراهی در اجرا می‌طلبد تا صحنه تئاتر، شباهت بیشتری به زندگی و شکل آن پیدا کند.»

در نمایش «عبور قوای برج عبیوض از اراضی کاخ هنر» بازیگرانی چون آرش آذر، امیرحسرم بانایی، جلیل ایراندوست، کیمیا اکبری، مهران باقری، حسین بنی‌تبار، مهدی بیرانوند، محمدمهران تاجیک، آ‌آمان دهقانی، سیدمحمدرضا زمانی، نیما رضایی‌فراز، هستی سنبل‌دوست، محمد شهپر، وحید شیرمحمدی، نگین صمدی، حسین عبداللهی‌پور، پویا فلاح، کسری فرحناک، ساجد کارگر، مهسا کلاترکی، راهیندا مجیدی، مهرانز محمودی، محمود محمدی، رویا ناصرپور، وهاب ناصری‌منش و مهرداد تعیمی ایفای نقش می‌کنند.

نمایش «عبور قوای برج عبیوض از اراضی کاخ هنر» از ۱۷ آذر ساعت ۲۰ با مدت‌زمان ۶۰ دقیقه در کاخ هنر به نشانی خیابان رازی، نبش کوچه زندوکویل، پلاک ۵۰، نهم صحنه می‌رود و بلیت آن از طریق سایت تیوال قابل خریداری است.